

فهرست قوانین و مقررات مربوط به قانون تجارت

عنوان قانون	ماده مربوطه ^۱
قوانین	
قانون اجازه ثبت شعبه یا نمایندگی شرکت‌های خارجی مصوب ۱۳۷۶/۸/۲۱	۱۹۵ ق.ت.
قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸/۴/۲۴	۵۷۵ ق.ت.
قانون بخش تعاون اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۰/۶/۱۳	۱۹۴ ق.ت.
قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۱۷	۶۰۰ ق.ت.
قانون تفسیر قانونی در خصوص قانون مستثنی شدن سازمان مرکزی تعاون روستایی از شمول قانون بخش تعاون اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۱/۶/۴	۱۹۴ ق.ت.
قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب ۱۳۸۶/۸/۷	۵۸۲ ق.ت.
قانون جامع حدنگار (کاداستر) کشور مصوب ۱۳۹۳/۱۱/۱۲	۱۹۶ ق.ت.
قانون چک‌های تضمین شده مصوب ۱۳۳۷/۴/۲۲	۲ قانون صدور چک
قانون راجع به ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰/۳/۱۱ با اصلاحات بعدی	۱۹۵ ق.ت.

۱. شماره‌های ذیل عنوان «ماده مربوطه» شماره ماده‌ای است که قانون یا تصویب‌نامه و آیین‌نامه در ذیل آن مندرج است.

- قانون راجع به دلانان مصوب ۱۳۱۷/۱۲/۸ ۳۵۶ ق.ت.
- قانون شرکت‌های تعاونی مصوب ۱۳۵۰/۳/۱۶ با اصلاحات ۱۹۴ ق.ت.
بعدی
- قانون طرز استفاده از درآمد صندوق‌های (الف) و (ب) اداره کل ۵۷ قانون اداره
تصفیه امور ورشکستگی امور ورشکستگی مصوب اردیبهشت
ماه ۱۳۴۴
ورشکستگی
- قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۸۰/۱۱/۲۷ ۱۹۴ ق.ت.
(حاشیه ماده
۵۳ قانون بخش
تعاون)
- لایحه قانونی ممنوعیت خروج بدهکاران بانکها مصوب ۵۸۸ ق.ت.
۱۳۹۵/۲/۲۰
- قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد ۵۲ قانون اداره
معین
تصفیه امور
ورشکستگی

تصویب‌نامه

- تصویب‌نامه راجع به پلمب دفاتر تجاری در ولایات مصوب ۱۱ ق.ت.
۱۳۱۲/۱۲/۹
- تصویب‌نامه راجع به تمرکز درآمدهای صندوق (الف) و (ب) در ۵۶ قانون اداره
اداره تصفیه امور ورشکستگی امور ورشکستگی مرکز مصوب
تصفیه امور
ورشکستگی
۱۳۱۹/۴/۱۷
- تصویب‌نامه شماره ۱۷۰۳ - ۱۳۱۹/۹/۱۴ ۵۲ قانون اداره
تصفیه امور
ورشکستگی
- تصویب‌نامه مربوط به هزینه امور ورشکستگی مصوب ۵۷ قانون اداره
تصفیه امور
ورشکستگی
۱۳۱۹/۲/۱۴

- تصویب‌نامه ضوابط پذیرش سرمایه‌گذاری خارجی تحت پوشش ماده ۱۲ لایحه
قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی مصوب قانونی اصلاح
قسمتی از قانون ۱۳۷۸/۷/۲۸
تجارت
طرح اصلاحی آیین‌نامه ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۴۰ ۱۹۶ ق.ت.

نظامنامه

- نظامنامه اجرای قانون ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰/۳/۲ ۱۹۶ ق.ت.
نظامنامه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۱ ۴۴۱ ق.ت.
نظامنامه قانون تجارت وزارت عدلیه مصوب ۱۳۱۱ ۱۹۶ ق.ت.
نظامنامه ماده ۱۹ قانون تجارت وزارت عدلیه مصوب ۱۹ ق.ت.
۱۳۱۱/۳/۱۵

آیین‌نامه

- اصلاحیه طرح اصلاحی آیین‌نامه ثبت شرکتها مصوب ۱۹۵ ق.ت.
۱۳۸۶/۲/۲۴
آیین‌نامه اجرایی تبصره ماده ۱۴۴ لایحه قانون اصلاح قسمتی از
قانون تجارت مصوب ۲۴ اسفندماه ۱۳۴۷ درباره نحوه انتخاب
بازرس شرکت‌های سهامی عام مصوب ۱۳۴۹/۱۱/۱۳
آیین‌نامه اجرایی قانون ثبت یا نمایندگی شرکت‌های خارجی
۱۹۵ ق.ت.
۱۳۷۸/۱/۱۱
آیین‌نامه اجرایی ماده ۷۵ الحاق قانون بخش تعاون مصوب
۱۳۹۵/۴/۹
(حاشیه ماده)
۴۰ آیین‌نامه
قانون بخش
تعاون

- آئین‌نامه اجرایی قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و ۵۸۲ ق.ت.
 علائم تجاری مصوب ۱۳۸۷/۱۱/۱
- آئین‌نامه بند «ز» ماده ۱۱۱ قانن مالیاتهای مستقیم
 ۱۹۴ ق.ت.
 (حاشیه ماده
 ۵۳ قانون بخش
 تعاون)
- آیین‌نامه اصلاحی ثبت تشکیلات و مؤسسات غیر تجارتي
 مصوب ۱۳۳۷ با اصلاحات بعدی
 ۵۸۵ ق.ت.
- آئین‌نامه پایگاه اطلاعات اشخاص حقوقی مصوب ۱۳۸۸/۱/۲۹
 آیین‌نامه پلمب دفاتر تجارتي مصوب ۱۳۱۱/۳/۱۰
 ۵۸۳ ق.ت.
 ۱۱ ق.ت.
- آیین‌نامه درآمد صندوق (الف) مصوب ۱۳۱۹/۵/۱۶ با ۵۲ قانون اداره
 اصلاحات بعدی
 تصفیه امور
 ورشکستگی
- آیین‌نامه درآمد صندوق (ب) مصوب ۱۳۱۹/۵/۱۶ با اصلاحات
 بعدی
 ۵۴ قانون اداره
 تصفیه امور
 ورشکستگی
- آیین‌نامه دفتر ثبت تجارتي مصوب ۱۳۲۵ با اصلاحات بعدی
 آیین‌نامه قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸
 ۱۷ ق.ت.
 ۶۰ قانون اداره
 تصفیه امور
 ورشکستگی
- آیین‌نامه مواد ۳ و ۱۱ قانون دلالات مصوب ۱۳۱۹/۵/۲۱
 ۳ قانون دلالات
 و ۳۵۶ ق.ت.
- آیین‌نامه نحوه تنظیم و تحریر و نگاهداری دفاتر موضوع تبصره
 یک ماده ۹۵ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۱۳
 ۱۵ ق.ت.
- طرح اصلاحی آیین‌نامه ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۴۰
 ۱۹۵ ق.ت.

بخشنامه‌ها - دستورالعمل‌ها

- دستورالعمل چگونگی ثبت الکترونیکی شرکت‌ها و مؤسسات ۱۹۶ ق.ت.
غیر تجاری مصوب ۱۳۹۳/۹/۲
- بخشنامه لایحه قانون ممنوعیت خروج بدهکاران بانکها شماره ۵۸۸ ق.ت.
مورخ ۹۵/۳۳۷۷۹۳ ۱۳۹۵/۱۰/۲۵

آرای وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور

- رأی شماره ۳۲۷۱ - ۱۳۳۹/۱۰/۱۹ - عدم ایجاد حق اولویت برای ۵۸ قانون اداره
کسی که مال ورشکسته را توقیف تأمین کرده است. تصفیه امور
ورشکستگی
- رأی شماره ۲۱۳۱ - ۱۳۴۱/۸/۶ - در خصوص عدم اسقاط حق ۲۸۹ ق.ت.
اقامه دعوی دارنده برات و ظهرنویس‌ها در صورت عدم ارسال
اظهارنامه رسمی یا مراسله سفارشی یا اطلاعنامه
- رأی شماره ۱۵۵ - ۱۳۴۷/۱۲/۱۴ - در خصوص عدم پرداخت ۵۸ قانون اداره
خسارت تأخیر تأدیه ایام بعد از تاریخ توقف به طلبکاران تصفیه امور
ورشکستگی وثیقه‌دار تاجر ورشکسته
- رأی شماره ۲۱۲ - ۱۳۵۰/۸/۶ - در خصوص محسوب گردیدن ۵۸ قانون اداره
وزارت دارایی در ردیف‌های بستانکاران عادی در وصول مالیات تصفیه امور
ورشکستگی و جرایم از بازرگان ورشکسته
- رأی شماره ۲۹۰ - ۱۳۵۰/۹/۱۷ - در خصوص ممنوعیت ضمیمه چهارم
بازداشت ورشکسته به جهت عدم پرداخت خسارت مدعی (آثار ورشکستگی)
خصوصی
- رأی شماره ۵۳/۵۴ - ۱۳۵۳/۱۰/۴ - جواز پرداخت وجه برات با ۲۲۳ ق.ت.
پول خارجی
- رأی شماره ۳۱ - ۱۳۶۱/۱۲/۱۶ - در خصوص محفوظ بودن حق ۱۰ قانون
شکایت برای دارنده چک در مواردی که بانک از طرف وی مأمور صدور چک
وصول و ایصال چک می‌باشد.

- رأی شماره ۵ - ۱۳۶۳/۲/۱۹ در خصوص بلااشکال بودن ۱۶ قانون رسیدگی و صدور حکم غیابی در جرم صدور چک بلامحل و صدور چک قابل گذشت بودن جرم مزبور.
- رأی شماره ۲۹ - ۱۳۶۳/۸/۲۸ در خصوص مسئولیت متصدی ۳۸۸ ق.ت. حمل و نقل به جبران خسارت در صورت تلف یا گم شدن مالالتجاره و عدم استماع دعوی مزبور بر علیه نماینده تجارتي.
- رأی شماره ۵۳۶ - ۱۳۶۹/۷/۱۰ در خصوص دعوی مطالبه وجه ۳۱۴ ق.ت. چک از ظهرنویس به منزله واخواست تلقی شدن گواهی بانک محال علیه دایر بر عدم تأدیه وجه چک
- رأی شماره ۵۶۱ - ۱۳۷۰/۳/۲۸ در خصوص بطلان کلیه ۴۲۳ و ۵۶ عملیات اجرایی ناشی از احکامی که بعد از تاریخ توقف در مورد تصفیه امور ورشکستگی
- رأی شماره ۷۶۳ - ۱۳۹۶/۸/۹ در خصوص قابلیت استماع ۴۱۳ ق.ت. دعوای ورشکستگی علی‌رغم عدم ارائه دفاتر
- رأی شماره ۵۹۷ - ۱۳۷۴/۲/۱۲ در خصوص شمول مقررات ۲۸۶ ق.ت. فصل سوم قانون آیین دادرسی مدنی در باب خسارت تأخیر تأدیه نسبت به دعاوی (از جمله دعوی مطالبه وجه برات) که خواسته آن پول خارجی است.
- رأی شماره ۱۵۰۶۴ - ۱۳۷۵/۷/۲۸ در خصوص مشابه بودن ۱۳ قانون جرایم موضوع مواد ۳ و ۱۳ قانون صدور چک
- رأی شماره ۲۵۰ - ۱۳۸۰/۸/۶ هیأت عمومی دیوان عدالت ۱۲۵ ل.ا.ق.ت. اداری

طرح اصلاح

طرح اصلاح موادی از قانون تجارت در خصوص ورشکستگی
ضمیمه پنجم
کتاب

فهرست ابواب و فصول قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱

شماره مواد	عنوان قانون
۱-۵	باب اول - تجار و معاملات تجاری
۶-۱۹	باب دوم - دفاتر تجاری و دفتر ثبت تجاری
۶-۱۵	فصل اول - دفاتر تجاری
۱۶-۱۹	فصل دوم - دفتر ثبت تجاری
۲۰-۲۲۲	باب سوم - شرکت های تجاری
۲۰-۱۹۴	فصل اول - اقسام مختلفه شرکت ها و قواعد راجع به آنها
۲۱-۹۳	مبحث اول - شرکت سهامی
۲۱-۳۵	۱. کلیات
۳۶-۴۷	۲. تشکیل شرکت
۴۸-۶۱	۳. مدیرهای شرکت و وظایف آنها
۶۲-۶۴	۴. مفتشین شرکت و وظایف آنها
۷۵-۶۵	۵. مجمع عمومی شرکت
۷۶-۸۱	۶. در تبدیل سهام
۸۲-۸۸	۷. بطلان شرکت یا بطلان اعمال و تصمیمات آن
۸۹-۹۲	۸. مقررات جزایی
۹۳	۹. در انحلال شرکت
۹۴-۱۱۵	مبحث دوم - شرکت با مسئولیت محدود

۱۱۶-۱۴۰	مبحث سوم - شرکت تضامنی
۱۴۱-۱۶۱	مبحث چهارم - در شرکت مختلط غیرسهامی
۱۶۲-۱۸۲	مبحث پنجم - شرکت مختلط سهامی
۱۸۳-۱۸۹	مبحث ششم - شرکت نسبی
۱۹۰-۱۹۴	مبحث هفتم - شرکت‌های تعاونی تولید و مصرف
	فصل دوم - در مقررات مختلفه راجع به ثبت شرکت‌ها و نشر
۱۹۵-۲۰۱	شرکت‌نامه‌ها
۲۰۲-۲۱۸	فصل سوم - در تصفیه امور شرکت‌ها
۲۱۹-۲۲۲	فصل چهارم - مقررات مختلفه
۲۲۳-۳۱۹	باب چهارم - برات - فته طلب - چک
۲۲۳-۳۰۶	فصل اول - برات
۲۲۳-۲۲۷	مبحث اول - صورت برات
۲۲۸-۲۳۸	مبحث دوم - در قبول و نکول
۲۳۹-۲۴۰	مبحث سوم - در قبولی شخص ثالث
۲۴۱-۲۴۴	مبحث چهارم - در وعده برات
۲۳۵-۲۴۸	مبحث پنجم - ظهنویسی
۲۴۹-۲۵۱	مبحث ششم - مسئولیت
۲۵۲-۲۶۹	مبحث هفتم - در پرداخت
۲۷۰-۲۷۳	مبحث هشتم - تأدیه وجه برات به واسطه شخص ثالث
۲۷۴-۲۹۲	مبحث نهم - حقوق و وظایف دارنده برات
۲۹۳-۲۹۷	مبحث دهم - در اعتراض (پروتست)
۲۹۸-۳۰۴	مبحث یازدهم - برات رجوعی
۳۰۵-۳۰۶	مبحث دوازدهم - قوانین خارجی
۳۰۷-۳۰۹	فصل دوم - در فته طلب
۳۱۰-۳۱۷	فصل سوم - چک
۳۱۸-۳۱۹	فصل چهارم - در مرور زمان
۳۲۰-۳۳۴	باب پنجم - اسناد در وجه حامل

۳۳۵-۳۵۶	باب ششم - دلالی
۳۳۵-۳۴۷	فصل اول - کلیات
۳۴۸-۳۵۵	فصل دوم - اجرت دلال و مخارج
۳۵۶	فصل سوم - دفتر
۳۵۷-۳۷۷	باب هفتم - حق العمل کاری (کمسیون)
۳۷۷-۳۹۴	باب هشتم - قرارداد حمل و نقل
۳۹۵-۴۰۱	باب نهم - قائم مقام تجارتي و سایر نمایندگان تجارتي
۴۰۲-۴۱۱	باب دهم - ضمانت
۴۱۲-۴۷۵	باب یازدهم - در ورشکستگی
۴۱۲	فصل اول - در کلیات
۴۱۳-۴۲۶	فصل دوم - در اعلان ورشکستگی و اثرات آن
۴۲۷-۴۳۲	فصل سوم - در تعیین عضو ناظر
۴۳۳-۴۳۹	فصل چهارم - در اقدام به مهر و موم و سایر اقدامات اولیه نسبت به ورشکسته
۴۴۰-۴۴۲	فصل پنجم - در مدیر تصفیه
۴۴۳-۴۷۵	فصل ششم - در وظایف مدیر تصفیه
۴۴۳-۴۵۰	مبحث اول - در کلیات
۴۵۱-۴۵۵	مبحث دوم - در رفع توقیف و ترتیب صورت داریی
۴۵۶-۴۶۰	مبحث سوم - در فروش اموال و وصول مطالبات
۴۶۱	مبحث چهارم - در اقدامات تأمینیه
۴۶۲-۴۷۵	مبحث پنجم - در تشخیص مطالبات طلبکاران
۴۷۶-۵۱۳	فصل هفتم - در قرارداد ارفاقی و تصفیه حساب تاجر ورشکسته
۴۷۶-۴۷۸	مبحث اول - در دعوت طلبکارها و مجمع عمومی آنها
۴۷۹-۵۰۳	مبحث دوم - در قرارداد ارفاقی
۴۷۹-۴۸۸	فقره اول - در ترتیب قرارداد ارفاقی
۴۸۹-۴۹۱	فقره دوم - در اثرات قرارداد ارفاقی
۴۹۲-۵۰۳	فقره سوم - در ابطال یا فسخ قرارداد ارفاقی

- ۵۰۴-۵۱۳ مبحث سوم - در تفریغ حساب و ختم عمل ورشکستگی
- ۵۱۴-۵۲۱ فصل هشتم - در اقسام مختلفه طلبکارها و حقوق هر یک از آنها
- ۵۱۴-۵۱۷ مبحث اول - در طلبکارهایی که رهینه منقول دارند
- مبحث دوم - در طلبکارهایی که نسبت به اموال غیر منقول حق تقدم دارند
- ۵۱۸-۵۲۱ فصل نهم - در تقسیم بین طلبکارها و فروش اموال منقول
- ۵۲۲-۵۲۷ فصل دهم - در دعوی استرداد
- ۵۲۸-۵۳۵ فصل یازدهم - در طرق شکایت از احکام صادره راجع به ورشکستگی
- ۵۳۶-۵۴۰ باب دوازدهم - در ورشکستگی به تقصیر و ورشکستگی به تقلب
- ۵۴۱-۵۶۰ فصل اول - در ورشکستگی به تقصیر
- ۵۴۱-۵۴۸ فصل دوم - در ورشکستگی به تقلب
- ۵۴۹-۵۵۰ فصل سوم - در جنحه و جنایاتی که اشخاص غیر از تاجر ورشکسته در امر ورشکستگی مرتکب می شوند
- ۵۵۱-۵۵۸ فصل چهارم - در اداره کردن اموال تاجر ورشکسته در صورت ورشکستگی
- ۵۵۹-۵۶۰ به تقصیر یا به تقلب
- ۵۶۱-۵۷۵ باب سیزدهم - در اعاده اعتبار
- ۵۷۶-۵۸۲ باب چهاردهم - اسم تجارتي
- ۵۳۸-۵۹۱ باب پانزدهم - شخصیت حقوقی
- ۵۸۳-۵۸۷ فصل اول - اشخاص حقوقی
- ۵۸۸-۵۹۱ فصل دوم - حقوق و وظایف و اقامتگاه و تابعیت شخص حقوقی
- ۵۹۲-۶۰۰ باب شانزدهم - مقررات نهایی

فهرست مباحث لایحه اصلاحی قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷

شماره مواد	عنوان قانون
۱-۳۰۰	مبحث اول - شرکت های سهامی
۱-۲۳	بخش ۱. تعریف و تشکیل شرکت سهامی
۲۴-۴۲	بخش ۲. سهام
۴۳-۵۰	بخش ۳. تبدیل سهام
۵۱-۷۱	بخش ۴. اوراق قرضه
۷۲-۱۰۶	بخش ۵. مجامع عمومی
۱۰۷-۱۴۳	بخش ۶. هیأت مدیره
۱۴۴-۱۵۶	بخش ۷. بازرسان
۱۵۷-۱۹۸	بخش ۸. تغییرات در سرمایه شرکت
۱۹۹-۲۳۱	بخش ۹. انحلال و تصفیه
۲۳۲-۲۴۲	بخش ۱۰. حساب های شرکت
۲۴۳-۲۶۹	بخش ۱۱. مقررات جزایی
۲۷۰-۳۰۰	بخش ۱۲. مقررات مختلف مربوط به شرکت های سهامی

مقدمه چاپ بیست و پنجم

در سالهای ۱۳۷۹-۱۳۷۷ که کتاب قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی در حال نگارش بود، منابع حقوقی در زمینه حقوق تجارت؛ اعم از کتب و مقالات و پایان‌نامه‌ها، آراء محاکم و... بسیار محدود بود و کشور از متروک ماندن مقررات تجاری و فقر دانش حقوق تجارت رنج می‌برد. محاکم که امر خطیر جان بخشیدن به قانون را به عهده دارند، گرایش کمی به مقررات تجاری داشتند و به هر بهانه‌ای به قانون مدنی بازمی‌گشتند. به قول استاد فقید مرحوم دکتر کاتوزیان؛ همان آزاد مرد آزاد اندیش، که کوتاه‌اندیشی و کج‌اندیشی‌ها نتوانست اراده فولادین آن بزرگ‌مرد تاریخ حقوق را در اعتلای دانش حقوق کشور تحت تأثیر قرار دهد، شاید دلیل این امر این بود که مقررات تجاری به جهت نداشتن زیربنایی مانند فقه و تقلید و ترجمه بودن آن، به سختی در فرهنگ کشور جذب می‌شد.

خوشبختانه در این مدت قریب به ۱۸ سال که از چاپ اول کتاب می‌گذرد، اساتید گرانقدر و دانشمند حقوق تجارت، دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی همت گماشته و در تبیین و تشریح و نقد مقررات تجاری کوشش مضاعف نمودند، به نحوی که کتب تخصصی و مقالات و پایان‌نامه‌های پربار و وزینی در زمینه حقوق تجارت نگاشته شد و این سد شکست.

از سوی دیگر برخی از قضات محترم که گاهاً به آموزش حقوق در دانشگاه نیز اهتمام دارند، حلقه بین‌تئوری و عمل شدند و با عبور از سلطه حقوق مدنی و با صدور آراء منطبق بر اصول تجارت موتور محرکه این حرکت شدند و با مستند کردن آراء خود به نظریات و تئوری‌ها، به اندیشه‌های حقوقی تئورسین‌ها و دانشگاهیان عینیت و رسمیت بخشیده و از تفسیر لفظی مواد قانونی فراتر رفته و افق‌های دورتری را نمایان کردند. از اینرو قضات فاضل از قافله از حال شتاب حقوق تجارت عقب نماندند و حتی گاهاً طلیعه‌دار این قافله شدند. قوه قضائیه نیز با اقدامات مؤثر،

مانند تأسیس پژوهشکده قوه قضائیه و فراهم آوردن زمینه نقد آراء قضایی و انتشار آنها در این امر خطیر نقش مؤثری ایفاء کرد.

امیدوارم کتاب قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی که در این سالها به عنوان کتاب دستی و همراه قضات شریف، وکلا و مشاورین حقوقی دانشمندان، دانشجویان ساعی و کنجکاو حقوق مورد استقبال قرار گرفته، نقشی هرچند کوچک در ایجاد این تحول و ادامه آن داشته باشد.

حال سعی داریم از این قافله عقب نمانیم و با انجام اصلاحات و اضافات اساسی در کتاب قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی اندیشه‌ها و نظریات جدید حقوقدانان و آراء محاکم و رویه قضایی جدید، نظرات مشورتی اخیر اداره حقوقی قوه قضائیه در امور تجاری را در آن اعمال و منظور نماییم و کتاب را از زنگار قوانینی که در این مدت منسوخ شده، پیراسته و قوانین اخیرالتصویب را بر آن اضافه نماییم. در انجام این مهم همسر و همراهم، سرکار خانم اکرام باقری وکیل محترم دادگستری و دوست گرانمایه جناب آقای منصور قرایی زحمات زیادی تقبل نمودند که به این وسیله از ایشان سپاسگزارم.

ضمن تشکر از الطاف گذشته، امیدوارم کماکان مورد لطف و عنایت جامعه معزز حقوقی قرار گیریم.

فروردین ماه ۱۳۹۷

دکتر محمد دم‌چیلی

دبیاچه استاد محترم جناب آقای دکتر کاتوزیان

به نام خدا

مشاهده این کتاب به سبک و سیاق ویژه خود، مرا به یاد مقدمه‌ای انداخت که بر «قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی» نوشته‌ام:

در آن مقدمه، پس از اشاره به فایده عملی قوانین محشی و بیان حکمت تدوین چنین مجموعه‌هایی از قوانین و همراه ساختن آنها با یادداشت‌های نظری و رویه قضایی، آمده است:

«امیدوارم، اگر این شیوه مطبوع افتد، محققان جوانی که ذوق گردآوری و تدوین را دارند تشویق به ادامه این راه شوند و مجموعه‌های منظمی برای شعبه‌های گوناگون حقوق فراهم آورند. این گام نخستین را که بی‌گمان با لغزش‌هایی به‌مراه است، باید کار جمعی کسانی که حرفه خود را تدوین قوانین قرار داده‌اند کمال بخشد و در شعبه‌های دیگر نیز دنبال شود.»

و اکنون خوشحالم که آن نفس گرم بر سینه‌ها نشست و آن امید تحقق یافت: سه محقق جوان و توانا در کاری جمعی قوانین تجارتي را به همان شیوه آراسته‌اند و رویه‌های قضایی و اندیشه‌های حقوقی را بر آن افزوده‌اند تا گام نخستین را به شایستگی دنبال کنند و ادبیات حقوقی را در این شعبه مهم و اساسی غنا بخشند.

قانون تجارت همزمان با قانون مدنی و در همان اوضاع و احوال سیاسی و اجتماعی تدوین شد. با وجود این، میان این دو مجموعه تفاوت‌های فراوان است:

۱. نخست اینکه قانون مدنی زیر بنایی همچون فقه داشت و کافی بود که نویسندگان آن صورت تدوین را از قوانین خارجی بگیرند و محتوا را از گنجینه‌های فرهنگ بومی بسازند، چنان که به همین راه نیز رفتند و آنچه ارائه کردند بیشتر چهره آشنا و محلی داشت تا خارجی، ولی قانون تجارت چنین زیربنایی نداشت و یکسره تقلید و ترجمه بود و با ذهن‌های خودی، بیگانه. به همین جهت هم دیری نپایید که

قانون مدنی جذب فرهنگ ملی شد و ادبیات ویژه و گسترده‌ای را به همراه خود به ارمغان آورد، در حالی که پاره‌ای از عبارات‌های قانون تجارت هنوز ناآشنا است و همچون جامه‌ای عاریتی بر قامت ما سنگینی می‌کند.

۲. تفاوت دیگر از طبع داد و ستدهای بازرگانی و لزوم سرعت و بی‌پیرایی و اعتماد متقابل و حسن نیت در اجرای پیمان‌ها سرچشمه می‌گیرد. قدرت عرف و رسوم و عادات تجاری در این زمینه به مراتب قوی‌تر و مشهودتر از قانون مدنی است و به همین دلیل، تعبیر و تفسیر عرف‌ها ابتکار و تحرک بیشتری را می‌طلبد و میدان اندیشه‌های حقوقی و اجرای عدالت را گسترده‌تر می‌کند.

۳. نیاز جهان به همگامی و همسویی در زمینه‌های تجاری بیش از احکام مدنی است و در نتیجه، پیمان‌های بین‌المللی در امور تجاری یکی از منابع مهم حقوق تجارت است. نیازها و ضرورت‌ها تمایل به وحدت حقوق را شدیدتر می‌کند و پیمان‌های بین‌المللی و اتحادیه‌های منطقه‌ای ابزار تحقق این تمایل قرار می‌گیرند. تغییرهای بنیادی و پیوسته نیز از لوازم این همبستگی جهانی است، در حالی که قواعد مدنی با شتاب کمتری حرکت می‌کند و سنگینی و قدمت پاره‌ای از قواعد، میل به ثبات و استواری را دامن می‌زند و گاه با تعصب از آنها حمایت می‌شود.

با وجود این عوامل و ده‌ها مانند آن، که همگی شتاب حرکت و تغییر را دامن می‌زنند، قانون تجارت در تاریخ حکومت خود به مراتب کمتر از قانون مدنی تغییر کرده است و ضرورت نوسازی و ثبات غیرطبیعی آن به اهمیت رویه‌های قضایی و اندیشه‌های نو در این زمینه دامن می‌زند. همه چیز آماده بلند پروازی و تبدل و پیشرفت است و همه در انتظارند که شاهین چابکی بدین انتظار پایان بخشد و این شعبه مهم حقوقی و اقتصادی را به جایگاه شایسته خود برساند. تدوین این‌گونه مجموعه‌ها نیز گامی در این راه دور و تمام نشدنی است و امیدواریم طلوعه آن پرواز بلند و معهود باشد.

تهران، یازدهم آبان ماه ۱۳۷۹ - ناصر کاتوزیان

دیباچه استاد محترم جناب آقای دکتر بهروز اخلاقی

بسم الله الرحمن الرحيم

مقررات تجاری در هر کشوری از اهمیت به سزایی برخوردار است و هرگونه ناهماهنگی و خمودی در آن تأثیر مستقیم در گردش سرمایه و اقتصاد دارد. برخلاف روابط حقوقی غیر تجاری و معاملات مشمول حقوق مدنی، روابط تجاری، بنا به ویژگی خاص خود اصول ویژه‌ای را طلب می‌کنند که اهم آن سرعت و سادگی این روابط است. تغییر سریع قیمت‌ها، رقابت، مدیریت بازار، پیشرفت سریع تکنولوژی و به تبع آن لزوم فروش سریع کالاها، همه و همه موجب شده است که در معاملات و روابط تجاری قواعد ویژه‌ای به کار رود. ضرورت‌های فوق‌الذکر باعث گردیده در اغلب کشورها در مورد معاملات و روابط تجاری قواعد ویژه‌ای در کنار قواعد کلی حقوق مدنی وضع گردد. این مقررات عمده‌تاً دو هدف را دنبال می‌کنند:

۱. تأمین سرعت در معاملات تجاری از طریق کاستن از تشریفات حقوق مدنی.
 ۲. رسیدگی سریع و عمده‌تاً شکلی به دعاوی تجاری و ایجاد دادگاه‌های تجارت.
- در حقوق کشور ما نیز قانون تجارت در سال ۱۳۱۱ تقریباً همزمان با قانون مدنی به تصویب رسیده است که اقتباسی است از قانون تجارت ۱۸۰۷ فرانسه.

اگرچه قانون مدنی از جهت شکل، قالب حقوق اروپایی به خود گرفت؛ لیکن در محتوا خود را با مفاد فقه و عرف ملی کشورمان تطبیق داد و در بنای حقوقی کشورمان، با تکیه بر منابع عظیم فقهی و دیرینه در خور توجه، به نیکویی جا گرفت. برخلاف قانون مدنی، نویسندگان قانون تجارت، هم شکل و هم محتوا را از حقوق اروپایی آن زمان اقتباس نمودند؛ لذا از همان ابتدا به صورت وصله‌ای ناهمگون بر پیکر حقوق کشورمان جلوه گر شد. اکنون نیز مقررات تجاری در جهان به تبع پیشرفت علوم و تکنولوژی دچار دگرگونی‌های مهمی شده است، لیکن قانون تجارت ما کماکان دست نخورده باقی مانده است. قانونگذار تا کنون برای پرکردن

خلاء‌های مهمی که در این شاخه از حقوق کشور ما وجود دارد اقدام مؤثری به عمل نیاورده است.

با توجه به ضروریات پیش آمده دخالت سایر منابع از جمله رویه قضایی و دکترین برای به هنگام نمودن قواعد و تطبیق آن با عرف تجارت در این مورد اجتناب ناپذیر است.

صرف نظر از میزان موفقیت منابع فوق‌الذکر در ترمیم نواقص قانون تجارت، سنجیدن ابتکار قضاات و حقوقدانان در این مورد مستلزم گردآوری و تحلیل حقوقی نظرات مطرح شده می‌باشد، کاری که توسط محققان جوان نویسنده این کتاب به نحو شایسته‌ای صورت گرفته است. بررسی اجمالی کتاب حاضر نشان می‌دهد که نویسندگان آن علاوه بر آنکه سمت و سوی رویه قضایی کشورمان را در مورد هر ماده و مباحث مورد بحث حقوق تجارت نشان داده‌اند، گاه به نقد و بررسی و ارائه راه‌حل‌های منطقی‌تر نیز پرداخته‌اند.

از ویژگی این‌گونه کتاب‌ها رعایت ایجاز است که اقتضا دارد از پرداختن تفصیلی به مطالب خودداری شود. کتاب حاضر نیز به عنوان نخستین کتاب محشای قانون تجارت، تا حدودی از عهده این کار برآمده، در عین اینکه تقریباً تمام مباحث مطرح شده پیرامون یک ماده را در قالب آرای محاکم با نظرات حقوقدانان مطرح ساخته و راه‌حل‌نهایی را ارائه می‌کند، به خواننده نیز اجازه می‌دهد که تفصیل آنها را نیز در کتبی که آدرس آنها ذکر شده است مطالعه نماید.

امید است کتاب حاضر که توسط دانشجویان توانمند اینجانب آقایان علی حاتمی، محمد دمرچیلی و محسن قرائی تدوین گردیده است، مورد استفاده تمام علاقه‌مندان به ویژه قضاات، وکلاء و دانشجویان قرار گیرد.

بهر روز اخلاقی

زمستان ۱۳۷۹ - تهران

جنبش اول که قلم برگرفت
حرف نخستین ز سخن درگرفت
خط هر اندیشه که پیوسته‌اند
بر پر مرغان سخن بسته‌اند

سرآغاز

اگرچه گفته معروف در مورد فاصله بین تئوری و عمل در عالم حقوق چندان قابل پذیرش نیست؛ زیرا همواره تئوری‌ها و تحلیل‌های حقوقی هستند که در محاکم جامه عمل به خود می‌پوشند، لیکن این امر غیر قابل انکار است که تئوری و حتی قانون، همواره در آزمون عمل توفیق ندارد. درست به همین دلیل است که در کتب حقوقی از قوانین متروک سخن به میان می‌آید؛ قوانینی که علی‌رغم اعتبار بدان‌ها عمل نمی‌شود.

دلیل متروک شدن یک قانون عمدتاً ناسازگاری آن با عرف و ساختار جامعه و هماهنگ نبودن آن با پیشرفت‌های اجتماع بشری است.

قانون تجارت ما از جمله قوانینی است که در ساختار اجتماعی و مذهبی کشورمان آن‌گونه که باید، جای نگرفته است و به عنوان قانونی که چرخش ثروت در کشور براساس آن صورت می‌گیرد، توجه چندانی به آن نمی‌شود. لذا تصور متروک بودن این قانون در میان دانشجویان حقوق و حتی ارباب عمل بسیار شایع است. تاکنون نیز درباره اینکه قانون تجارت، صرفنظر از انتقاداتی که بدان وارد شده است، در محاکم تا چه حد مورد عمل است، تحقیقی صورت نگرفته است. این امر و ذهنیتی که قبلاً به آن اشاره شد موجب شده است کمتر به این قانون استناد شده و دعوایی براساس آن اقامه شود. از طرف دیگر به دلیل تفاوت‌های مختلف موجود میان امور مدنی و تجاری وجود قانونی مستقل برای سامان دادن به اعمال تجاری و روابط میان تجار امری کاملاً ضروری است. ضرورتی که از ابتدای قانونگذاری در کشور، احساس شده، اگرچه پاسخی قانع‌کننده به این نیاز داده نشده است. پیشرفت‌های سریع بشر در جنبه‌های مختلف علوم، لزوم تجدیدنظر در قوانین

تجاری و هماهنگ کردن آن با مکانیزم‌های جدید این رشته از حقوق را، دو چندان نموده است.

در نبود اقدام مؤثر قانونگذار دخالت رویه قضایی و نظریات علمای حقوق برای پر کردن خلاءها و ترمیم نواقص امری اجتناب‌ناپذیر است تا با استفاده از ابزارهای مختلف حقوقی مواد قانونی موجود را با نیازهای روز جامعه هم‌نوا سازند. از دیگر سو هماهنگی بین این دو منبع، برای نیل به هدف یاد شده از اهمیت به سزایی برخوردار است: در عین اینکه رویه قضایی قهراً از نظریات علمای حقوق متأثر است؛ کتاب‌های حقوقی نیز باید ضمن آنکه نظرات خود را در مورد «بایدها» ابراز می‌دارند، لازم است به آنچه که در محاکم و میان تجار می‌گذرد توجه داشته باشند.

متأسفانه نویسندگان کتاب‌های راجع به حقوق تجارت اغلب به طرح مباحث نظری صرف اکتفا نموده‌اند و به رویه قضایی که یکی از منابع مهم حقوق بوده و در کمال و تعدیل نظم حقوقی نقش به سزایی داشته و به قول معروف «حقوق زنده» است، به ویژه در این شعبه از حقوق کمتر توجه داشته‌اند. این امر نه تنها موجب آن شده که از یکی از منابع مهم حقوق که در درک عمیق مطالب حقوق تجارت اهمیت فراوان دارد، محروم بمانیم؛ بلکه باعث شده بین تئوری و عمل فاصله افتاده و دانشجویان حقوق با آنچه در عمل می‌گذرد آشنا نشوند و کم کم این فکر قوت گیرد که آنچه در عمل می‌گذرد با مطالبی که در دانشکده‌های حقوق خوانده می‌شود مطابقت ندارد. بسیاری از دانشجویان (قضات و وکلای آینده) چنان تصور می‌کنند که از کل قانون تجارت فقط مبحث سفته و چک اجرا می‌شود و سایر مباحث قانون تجارت، گرچه نسخ نشده‌اند، عملاً متروک بوده و یادگیری آنها بی‌فایده است.

در این مجموعه سعی بر این بوده است در ارائه مطالب حقوقی تغییر روش داده و در حد بضاعت، قانون تجارت را در آینه عمل نشان دهیم بدین ترتیب که در ذیل هر ماده نظرات حقوقدانان به صورت موجز و آرای مختلف قضایی اعم از وحدت رویه و سایر آراء در خور توجه و نیز سایر قوانین و مقررات که به نوعی با آن ماده مرتبط هستند، گرد هم آیند. این نوع از گردآوری و تدوین به اهل عمل کمک می‌کند تا در هر مورد سریعاً راه‌حل موضوع مورد نظر خود را به کمک کتاب قانون بیابند و برای اهل تحقیق نیز از آن جهت سودمند است که می‌توانند مباحث مهم و عملی مطرح شده در مورد هر ماده را ذیل همان ماده، به صورت خلاصه، ملاحظه نمایند. جهت سهولت مراجعه به کتاب توجه خوانندگان محترم را به چند نکته در مورد

ویژگی‌های این مجموعه جلب می‌نماید:

۱. تفسیر و شرح ماده به ماده مواد قانونی

محور اصلی این کتاب، شرح ماده به ماده قانون تجارت است. در این راه سعی بر این بوده است توضیحات هر ماده با میزان اهمیت آن (میزان ابتلا) متناسب باشد این امر اهمیت هر ماده را در نظام حقوقی نمایان تر می‌کند.

۲. تفسیر مواد قانونی به وسیله آرای محاکم

بسیاری از آرای مفید محاکم در کتب مشهوری، مانند: مجموعه رویه قضایی احمد متین، آرشیو حقوقی کیهان و...، گردآوری شده‌اند که هر چند قدیمی هستند اما بیشتر آنها قابل استفاده بوده و می‌توانند در درک مفهوم مواد قانونی راه‌گشا باشند، لکن متأسفانه به علت تجدید چاپ نشدن کتاب‌های مزبور، از این گنجینه‌های گرانبها محروم مانده‌ایم. از طرف دیگر در سال‌های اخیر برخی از محققین اقدام به تنظیم و چاپ آرای محاکم کرده‌اند که بسیاری از این آراء مفید بوده و می‌توان از میان آنها ملاک عمل و رویه قضایی محاکم را کمابیش احراز کرد. این آراء به همراه آرای قدیمی‌تر در ذیل مواد مربوطه ذکر شده‌اند تا دانشجویان حقوق با نحوه حلول تئوری در عمل و اهل عمل با تجربیات و نظرات سایر دست‌اندرکاران آشنا شوند. در این میان سعی کرده‌ایم فقط به منطوق رأی بسنده نکرده و استدلال‌ات آن را نیز ذکر کنیم و تا حد ممکن عبارات آراء را بدون دخل و تصرف عیناً نقل نماییم.

۳. رعایت ترتیب اهمیت آراء

در نقل آرای مربوط به هر ماده سعی بر این بوده است که ترتیب اهمیت آنها رعایت شود. به این صورت که اگر در خصوص مسأله‌ای رأی وحدت رویه وجود داشته آرای شعب محاکم ذکر نشده‌اند. و در سایر موارد آرای اصراری و آرای شعب دیوان قبل از آرای سایر محاکم آمده‌اند. در دسته‌های فوق نیز آرای اخیرالصدور که هماهنگی بیشتری با قوانین جدیدتر دارند مقدم داشته شده‌اند.

۴. استفاده از نظرات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه

نظرات مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه نیز بعد از آرای محاکم مورد توجه قرار گرفته‌اند. این نظرات اگرچه لازم‌الاتباع نیستند لکن از سه جهت اهمیت دارند: اولاً؛ به وسیله جمعی از حقوقدانان کشور ابراز می‌شوند. ثانیاً؛ موضوعاتی که این نظریات به آنها می‌پردازند اصولاً مسائل مبتلا به محاکم بوده و در مقام پاسخ‌گویی به سؤالات قضات و مشورت با آنها ابراز شده‌اند و از اینرو عملاً قضات محاکم به

نظرات مزبور توجه ویژه‌ای دارند. و ثالثاً؛ سؤال و جواب‌های مطرح شده در این نظرات مبین اجرای مقررات قانون تجارت در محاکم هستند.

۵. اهتمام در مراجعه به همه منابع موجود

در مراجعه به منابع، مخصوصاً آرای محاکم و نظرات مشورتی اداره حقوقی، دقت شده است تا مجموعه تقدیمی بتواند منبع موثق و قابل اعتمادی برای مراجعه کنندگان باشد.

۶. مراجعه به دکترین و ذکر مآخذ و منابع مورد استفاده

در مواردی که نظریه حقوقدانان در مورد مسأله‌ای ذکر شده است تا حد امکان، ایجازی که مخل مطلب نباشد و در موارد عملی به کار آید رعایت شده؛ لیکن در پایان، منبع یا منابعی که به تفصیل به آن مطلب پرداخته‌اند دقیقاً ذکر شده است. و لذا محققان نیز می‌توانند ضمن ملاحظه فهرست وار مباحث مطروحه در خصوص یک ماده، شرح آنها را در منابع ذکر شده بیابند.

۷. عنوان بندی توضیحات ذیل مواد

کار دیگری که در این مجموعه انجام شده عنوان بندی توضیحات ذیل مواد و به ویژه در مورد آرای محاکم و نظریات مشورتی اداره حقوقی است و در این مقام از عناوین شناخته شده و کلاسیک مذکور در کتاب‌های حقوق تجارت استفاده گردیده تا ذهن خواننده به راحتی از تئوری به مصادیق آن (عمل) گذر کند.

۸. ذکر قوانین و آیین‌نامه‌های مرتبط

مجموعه حاضر شرح مقررات قانون تجارت است، لکن قانونگذار در برخی از مواد قانون مزبور وضع قوانین خاص و تصویب آیین‌نامه‌هایی را پیش‌بینی کرده است و یا بعد از تصویب قانون تجارت قوانین دیگری که با مواد این قانون مرتبطند به تصویب رسیده که با تفصیل بیشتری به موضوعی پرداخته‌اند، سعی شده است همه قوانین و آیین‌نامه‌های ذیربط را در حاشیه هر ماده درج کنیم.

۹. ارجاع به مواد قانونی مرتبط

تفسیر مواد قانونی با استفاده از سایر مواد راهکار دیگری است که به کار گرفته شده است. بدین منظور در حاشیه هر ماده سایر مواد قانون تجارت که در ارتباط با آن ماده بوده یا در روشن شدن مفهوم آن تأثیر دارند، ذکر شده‌اند.

۱۰. آیین دادرسی شرکت‌ها

در مورد آیین دادرسی شرکت‌های تجاری با توجه به شخصیت حقوقی شرکت‌ها

مباحث ویژه‌ای مطرح می‌گردد که به لحاظ اهمیت و ارتباط آن با حقوق تجارت به صورت جداگانه توضیح داده شده است.

۱۱. جرائم و مجازات‌ها

در مورد مواد مربوط به جرائم و مجازات‌ها نیز فقط در مورد جرم صدور چک بلامحل، جزای اختصاصی مربوط به جرم یاد شده مورد توجه بوده و تا حد امکان مباحث ویژه طرح شده، در مورد عناصر ارتکاب و نحوه رسیدگی (آیین دادرسی کیفری) آن ذیل مواد قانونی مربوط آمده است.

به طور خلاصه می‌توان گفت سعی نویسندگان بر این بوده است این مجموعه به عنوان یک کتاب دستی برای دست‌اندرکاران باشد.

مطمئناً این مجموعه به عنوان نخستین اثر مؤلفین خالی از ایراد نیست از کلیه خوانندگان و صاحب‌نظران تقاضا داریم نویسندگان را از نظرات و پیشنهادات خود بهره‌مند سازند.

در خاتمه از اساتید مسلم و فرهیخته؛ آقایان دکتر ناصر کاتوزیان و دکتر بهروز اخلاقی که با نگارش دیباچه بر این اثر لطف و عنایت خود را به نویسندگان ابراز نمودند، تشکر و قدردانی می‌نماییم. همچنین از همکاری صمیمانه و بی‌دریغ آقای محمدرضا (عباس) جعفری در مراحل مختلف تهیه کتاب و همچنین از زحمات خانم الهام رحمان‌نژاد، در امر حروف‌چینی، تشکر و قدردانی می‌نماییم.

محمد دم‌چیلی - علی حاتمی - محسن قرائی

تهران - زمستان ۱۳۷۹

اختصارها

۱. ق.آ.د.م.د.ع و ا. = قانون آیین دادرسی مدنی دادگاه‌های عمومی و انقلاب
۲. ق.ا.ت.ا.و. = قانون اداره تصفیه امور ورشکستگی
۳. ق.ت. = قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۱۲/۱۳ با اصلاحات بعد
۴. ق.ث.ش. = قانون راجع به ثبت شرکت‌ها مصوب ۱۳۱۰/۳/۱۱ با اصلاحات

بعدی

۵. ق.ص.چ. = قانون صدور چک مصوب ۱۳۳۵/۴/۸ با اصلاحات بعدی
۶. ق.م. = قانون مدنی
۷. ق.م.ا. = قانون مجازات اسلامی
۸. ل.ا.ق.ت. = لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب
۱۳۴۷/۱۲/۲۴
۹. شماره‌های داخل کروشه، شماره ماده‌ای است که در حال حاضر لازم‌الاجرا
است.

۱۰. کلمات داخل کروشه به وسیله نویسندگان اضافه شده است.

۱۱. اداره حقوقی = اداره حقوقی قوه قضائیه

باب اول تجار و معاملات تجاری

ماده ۱ - تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار
تعریف تاجر بدهد.

این قبیل، موجب تاجر شناخته شدن آنها نیست. برخی از محاکم مدیران و مدیر عامل شرکت را به مناسبت فعالیتی که در شرکت دارد، تاجر تلقی می‌کنند. شعبه ۱۵۶ دادگاه عمومی تهران در رای شماره ۹۲۰۹۹۷۰۲۶۹۵۰۰۷۰۵ مورخ ۹۲/۶/۱۸ در مورد مدیر عامل بر همین نظر بوده و شعبه ۵۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران آن را تایید کرده است. (کوروش کاویانی، نقد آراء ورشکستگی دادگاه‌های عمومی و تجدیدنظر استان تهران، ص ۳۹-۳۷) شعبه ۲۹ دادگاه تجدیدنظر استان تهران نیز با تاجر تلقی کردن مدیر عامل رای شماره ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۲۹۰۰۸۸۹ مورخ ۹۱/۸/۶ شعبه ۴۲ دادگاه عمومی تهران را نقض کرده است. (همان منبع، ص ۳۶-۳۴)

شعبه ۵۲ دادگاه تجدیدنظر استان در پرونده دیگر رای شماره

۱. شرایط تاجر بودن
۱/۱. وجود کسی: منظور از «کس» همه اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی است.
۱/۲. انجام معاملات تجاری موضوع ماده ۲ ق.ت: بدهی است برای تحقق این شرط داشتن «اهلیت» ضروری است.
۱/۳. انجام معاملات تجاری باید «شغل معمولی» شخص باشد، بجز در موارد استثنایی مانند شرکت‌های سهامی که حتی اگر شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار ندهند، تاجر محسوب می‌شوند. (ر.ک. م ۲ ل.ا.ق.ت)

۱/۴. معامله باید برای خود شخص باشد و خطر سود و زیان را خودش متحمل شود. از اینرو معاملات وکیل برای موکل، کارگر برای کارفرما، معاملات قیم یا ولی برای مولی علیه و مدیر شرکت برای شرکت و مواردی از

۱/۵. قائم مقام تجاری (موضوع ماده ۳۹۵ ق.ت.) که از نمایندگان تجاری می باشد، جزء اجزاء و خدمه تاجر محسوب و تجارت را برای رئیس تجارتخانه انجام می دهد؛ لذا خودش تاجر تلقی نمی گردد، اگرچه در مورد همه نمایندگی های تجاری این امر صادق نیست؛ عامل، دلال و حق العمل کار که از نمایندگان تجاری هستند، از آمر و تاجر هستند که به آنها نمایندگی داده، استقلال شغلی دارند، لذا تاجر تلقی می شوند.

۲. محدودیت در اشتغال به تجارت

۲/۱. محدودیت مربوط به اشخاص: به موجب برخی از قوانین بعضی اشخاص از اشتغال به تجارت ممنوع هستند، مانند موضوع ماده ۱۵ قانون دفاتر اسناد رسمی و قانون سردفتران مصوب ۱۳۵۴/۴/۲۵ سردفتران و به موجب قانون استخدام قضات و ماده ۱۷ قانون نظارت بر رفتار قضات مصوب ۱۳۹۰/۷/۱۷، قضات دادگستری از اشتغال به تجارت ممنوع شده اند، لازم به ذکر است که برای کارمندان دولت ممنوعیت کلی اشتغال به تجارت وجود ندارد، لکن بعضی از قوانین انجام برخی امور تجاری را برای کارمندان ممنوع کرده اند، برای مثال بند ۶ ماده ۳۷۶ آیین نامه قانون امور گمرکی که کارمندان گمرک را از حق العمل کاری در گمرک منع کرده اند. (همچنین رجوع کنید به دکتر اسکینی، حقوق تجارت،

۹۲۰۹۹۷۰۲۶۹۵۰۰۷۷۶ مورخ ۹۲/۶/۳۱ شعبه ۱۰۵ دادگاه عمومی تهران را که مدیران شرکت را تاجر تلقی نکرده، با این استدلال که فعالیت تجاری آنها از جانب شرکت بوده و برای آنها تلقی نمی گردد، تایید کرد. (همان منبع، ص ۴۰-۴۲)

اداره حقوقی قوه قضائیه نیز بر همین نظر است. این نظر منطبق با اصول حقوق تجارت می باشد:

سؤال: آیا بدون رعایت مقررات قانون تجارت نقل و انتقال سهام شرکت معتبر است و خریداران، سهامدار شرکت محسوب شده و می توانند امور شرکت را اداره نمایند یا تصمیمات آنان فاقد اعتبار قانونی است؟

«اولاً: شخصیت حقوقی سهامداران شرکت تجاری از شرکت تجاری مستقل و متمایز است.

اشخاص غیر تاجر به صرف داشتن سهم در یک شرکت تجاری یا سمت مدیریت در آن، واجد عنوان تاجر نمی شوند. بدیهی است معاملاتی که مدیران شرکت، به لحاظ نمایندگی شرکت یا شخص حقوقی انجام می دهند، چون این معاملات برای شرکت است، تجاری تلقی می شود.» (نظریه شماره ۸/۴۸۶۹ مورخ ۸۶/۷/۲۴ اداره حقوقی قوه قضائیه، معاونت حقوقی قوه قضائیه، مجموعه نظرهای مشورتی از سال ۱۳۸۷ - ۱۳۶۲، ص ۵۹۱)

مصوب ۱۳۱۶ هیأت وزیران
 ۲. ماده ۲ قانون دلالان، مصوب
 ۱۳۱۷/۱۲/۱۸
 ۳. ماده ۹ قانون هواپیمایی کشوری،
 مصوب ۱۳۲۸/۴/۲۸
 ۴. تصویب نامه های مربوط به
 شرکت های بیمه، مصوب ۱۳۳۱ و
 ۱۳۳۲
 ۵. قانون بانکداری، مصوب ۱۳۳۴
 ۶. قانون پولی و بانکی کشور
 مصوب ۱۳۵۱
 ۷. ماده ۸ اصلاحی قانون تشویق
 صادرات و تولید، مصوب ۱۳۵۸/۹/۲۱
 ۸. بند ۱ ماده ۱۲ قانون تأسیس
 بورس اوراق بهادار، مصوب ۱۳۴۵
 ۹. ماده واحده قانون گسترش
 مالکیت واحدهای تولیدی، مصوب
 ۱۳۵۴
 بدیهی است اشتغال به معاملات
 مزبور توسط بیگانگان موجب تاجر
 شناخته شدن آنها نیست.
 ۴. ضرورت کسب مجوز مخصوص
 اشتغال به اعمال تجاری اصولاً
 مستلزم کسب مجوز مخصوص
 نمی باشد؛ لیکن به موجب برخی
 قوانین، مانند ماده ۱ قانون راجع به
 دلالان و ماده ۱ آیین نامه صدور پروانه
 نمایش انواع فیلم و ماده ۱ تصویب نامه
 هیأت وزیران به شماره ۶۷۷ -
 ۱۳۴۶/۴/۱۷ و ماده ۱۷ قانون
 هواپیمایی کشوری به ترتیب اشتغال به
 دلالی، نمایش فیلم، آژانس های

کلیات، معاملات تجاری و...، ص ۱۵۲
 به بعد) همچنین ماده ۱۱۲ قانون گمرک
 مصوب ۱۳۹۰ مقرر داشته: «اشتغال
 کارکنان گمرک به امر بازرگانی خارجی یا
 کارگزاری گمرک و هر نوع صرفه دیگر
 که با تشریفات گمرک مرتبط باشد
 ممنوع است.»
 ۲/۲. محدودیت مربوط به
 موضوع: گاهی دولت برخی فعالیت های
 تجاری را خودش بر عهده می گیرد و
 سایر اشخاص را از انجام آنها منع
 می کند. برای مثال اصل چهل و چهار
 قانون اساسی مقرر می دارد: «بخش
 دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع
 مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ،
 بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و
 شبکه های بزرگ آبرسانی، رادیو و
 تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن،
 هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه آهن و
 مانند اینهاست که به صورت مالکیت
 عمومی و در اختیار دولت است.»
 قانون ممنوعیت معاملات کارمندان
 دولت در معاملات دولتی.
 ۳. تجارت اتباع بیگانه در ایران
 اگرچه به موجب ماده ۹۶۱ ق.م.
 اتباع بیگانه از حق اشتغال به تجارت در
 ایران متمتع هستند، لکن به موجب
 برخی قوانین خاص اتباع بیگانه از
 اشتغال به برخی معاملات تجاری
 ممنوع هستند. برای ملاحظه بعضی از
 این موارد ر.ک:
 ۱. آیین نامه مؤسسات حمل و نقل

۱. داشتن کارت بازرگانی و ثبت نام تاجر در دفتر ثبت تجارتي (موضوع ماده ۱۶ ق.ت.)

۲. داشتن دفاتر بازرگانی

۳. برگ تشخیص مالیات مشاغل

۴. قرار داشتن محل اشتغال در

منطقه تجاری

۵. صدور اسناد تجاری (چک،

سفته، برات) به منظورهای تجارتي

۶. در صورت مستأجر بودن،

مندرجات قرارداد اجاره

۷. مراجعه به سایر اوراق و اسناد

شخص

۸. سایر ادله مانند: اقرار یا شهادت

شهود، می تواند برای اثبات «تاجر بودن» مورد استفاده قرار گیرد. باید

توجه داشت که صرف اقرار برای اثبات تاجر بودن کفایت نمی کند، چون اقرار

در این مورد در واقع اقرار موضوع ماده ۱۲۵۹ ق.م. (اخبار به حقی برای غیر بر

ضرر خود) نیست. همچنین باید متذکر شد که موضوع شهادت شهود «تاجر بودن» شخص نیست بلکه شهادت بر

«اشتغال به اعمال تجارتي» است، چون

احراز تاجر بودن با دادگاه است.

چند نمونه از آرای دادگاهها را درباره

ادله اثبات این دعوی ذکر می کنیم:

۱. «نظر به احراز تاجر بودن خواننده

به دلالت کارت بازرگانی شماره ۷۲۳

صادر از اطاق تجارت تهران و... دلالت

بر حصول وقفه و ورشکستگی خواننده

می نماید... توقف و ورشکستگی

مسافرتی و حمل و نقل هوایی مستلزم مجوز خاصی از مراجع دولتی است.

(ر.ک. دکتر اسکینی، همان منبع، کلیات معاملات تجاری و...، ص ۱۵۹) بدیهی

است اگر اعمال مزبور بدون مجوز لازم انجام گیرد، شخص تاجر محسوب

نمی شود، چون برای کار غیر قانونی نمی توان آثار قانونی مترتب کرد.

۵. تکالیف تاجر

۵/۱. ثبت اسم خود در دفتر ثبت

تجارتي. (ر.ک. ماده ۱۶ ق.ت.)

۵/۲. نگهداری دفاتر تجارتي (ماده

۶ ق.ت.)

۵/۳. لزوم عضویت در اتاق

بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران (اتاق ایران)

به موجب آئین نامه اجرای قانون تشکیل اتاق بازرگانی و صنایع و معادن

ایران مصوب ۱۳۴۹: «اشخاص حقیقی یا حقوقی مذکور در این ماده باید به

عضویت اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران درآیند: الف - کلیه اشخاص

که به موجب قانون بازرگان شناخته می شوند...»

۶. اثبات تاجر بودن

ممکن است «تاجر بودن» شخص

مورد انکار قرار گیرد، در دعوی ورشکستگی و اعسار اختلاف در مورد

تاجر یا غیر تاجر بودن یک طرف دعوی بیشتر مطرح می شود. عمده ترین دلایل

اثبات «تاجر بودن» امارات قضایی هستند، از جمله:

فوق‌الذکر، ص ۵۹-۶۰)

۳. «حجم معاملات و گستردگی فعالیت خواننده در شبکه عملیات صرافی و اینکه این عملیات مستقلاً و به حساب او انجام گرفته و نامبرده بدون اینکه شغل دیگری داشته باشد، معاملات ارزی را حرفه و شغل معمولی خود قرار داده و مالیات مربوط به امور بازرگانی را ایفا نموده و مدارک استنادی از جمله فتوکپی نامه شماره ۳۱/۱۷۹۴۷-۱۳۶۸/۵/۵، اداره کل اطلاعات مالیاتی راجع به تشخیص مالیات مشاغل، عملکرد سال‌های ۶۵ و ۶۶ و نامه بانک خطاب به بانک بازرگانی و اتاق صنایع و معادن راجع به وضعیت مالی مشارالیها و سند رسمی اجاره شماره ۲۲۸۴۷-۱۰/۶/۱۳۶۴ که در آن شغل نامبرده تصدی امور بازرگانی معرفی شده و اظهارنامه پلمپ دفاتر تجارتي به تاجر بودن خواننده دلالت داشته و دادگاه توجهاً به اقرار مشارالیها به شرح صورت‌مجلس ۱۳۶۹/۱/۲۳ مبنی بر اشتغال به تجارت... به ورشکستگی بانو... نظر می‌دهد.» (حکم شماره ۱۳۷۲/۲/۴ شعبه ۲۷ دادگاه حقوقی یک تهران در پرونده کلاسه ۳۲۴/۶۸ و ۴۵۷/۶۷ نقل از منبع فوق‌الذکر، ص ۶)

۴. «... اگر مدعی اعسار تاجر بودن خود را انکار نماید و معلوم نباشد که واقعاً تاجر یا کسبه جزء بوده است، دادگاه باید نسبت به این قسمت

آقای... در نظر دادگاه محرز است.» (رای مورخ ۱۳۴۶/۳/۱۶ صادره از شعبه ۲۶ دادگاه شهرستان تهران در پرونده کلاسه ۶۷۹/۴۵، نقل از دکتر محمد صقري، همان منبع، ص ۵۸)

برخی از نویسندگان معتقدند درخواست ابطال کارت بازرگانی در واقع اذعان بر انصراف تاجر از تجارت است. (دکتر شمس‌الدین عالمی، مقاله تحلیل یک جریان قضایی، مجله حقوقی وزارت دادگستری، شماره ۲، سال ۱۳۵۷، ش ۳، ص ۳۵-۴۷) البته باید توجه داشت اگر به ادله دیگر ثابت شود که شخص هنوز به کار تجارت اشتغال دارد، باید او را تاجر دانست.

در زمینه دلالت کارت بازرگانی بر تاجر بودن، رأی شماره ۴۷۴- ۱۳۶۳/۳/۲۲ صادره از شعبه ۵ دادگاه عمومی تهران نیز قابل توجه است: «... تحصیل کارت بازرگانی به منظور استفاده از امتیازات قانونی راجع به آن است و این امر شرط لازم و کافی برای تاجر بودن نمی‌باشد...» (گزیده رأی دادگاه‌های حقوقی، تدوین از محمدرضا کامیار، ج ۳، ص ۱۰۶)

۲. «نظر به احراز تاجر بودن خواننده به دلالت گواهی گواهان اقامه شده و میزان معاملات که انجام شده... حکم توقف و ورشکستگی آقای... را صادر می‌نماید.» (حکم مورخ ۱۳۵۰/۵/۲۰، شعبه ۲۶ دادگاه شهرستان تهران در پرونده کلاسه ۷۶۵/۴۶ نقل از منبع

پژوهش خواننده به شرح ذیل استدلال کرد که سندیکا تاجر محسوب می‌شود: «... سندیکا از شرکت‌های تجاری تشکیل شده و حسب قانون و اساسنامه حق تشکیل شرکت تعاونی نیز دارد، لذا مؤسسه‌ای است تجاری و...» دادگاه مزبور در مقام رد استدلال مزبور به شرح ذیل رأی صادر کرد: «... سندیکا طبق ماده ۲۵ قانون کار سازمانی است که برای حراست و حمایت از منافع حرفه‌ای اعضای تشکیل می‌شود و اعمال و اقدامات سازمان مزبور به ترتیبی که در ماده ۲۷ تشریح شده از مصادیق هیچ‌یک از عناوین قانونی کسب و پیشه و تجارت به مفهومی که تعریف شده، محسوب نمی‌شود؛ حتی در ماده ۲۷ قصد انتفاع و جلب نفع که انگیزه اعمال تجاری و حرفه‌ای است نفی شده است، به علاوه سازمان مزبور قانوناً دارای حقوق و تکالیف مشخص و شخصیت مستقل و مجزا از اعضای است و تاجر بودن اعضای تشکیل دهنده آن یا اختیار تأسیس شرکت تعاونی ماهیت و حقیقت وجودی آن را که سازمان غیر انتفاعی و غیر تجاری است و منبع درآمد آن غالباً منحصر به حق عضویت اعضای است را تغییر نمی‌دهد. (محمدرضا کامیار، ج ۳، ص ۱۰۸ و ۱۰۹)

۸. تمییز واژه تاجر از واژه‌های

مشابه

۸/۱. تجارت در مقابل پیشه

رسیدگی نموده و سپس رأی مقتضی صادر کند و نباید به صرف اینکه در اجاره‌نامه رسمی شغل او تاجر نوشته شده دادخواست اعسار او را رد کند...» (رأی شماره ۴۲۰ - ۱۳۲۸/۱۲/۱۵ شعبه چهارم دیوان عالی کشور، مجموعه متین، قسمت حقوقی، ص ۴۷)

۵. «... و نظر به اینکه شهودی که در محضر شعبه... اقامه شده‌اند صریحاً اظهار داشته‌اند خواهان به خرید پارچه و فروش لباس دوخته و همچنین خرید و فروش اتومبیل اشتغال داشته... و با توجه به حجم معاملات و تعداد سفته‌هایی که خواهان به عنوان متعهد امضاء کرده یا به عنوان ظهرنویس به بانک واگذار نموده تاجر بودن وی محقق می‌شود...» (رأی مورخ ۱۳۵۱/۲/۷ شعبه ۲۶، دادگاه شهرستان تهران، در پرونده کلاسه ۴۱۷/۲۶/۵۰ نقل از دکتر محمدحسین قائم مقام فراهانی، حقوق تجارت، ورشکستگی و تصفیه، ص ۳۱)

۶. «همان‌طور که تاجر ممکن است دفاتر تجارتی نداشته باشد، داشتن دفاتر تجاری نیز ملازمه با تاجر بودن صاحب آن ندارد...» (رأی اصراری شماره ۲۷۸۳ - ۱۳۳۹/۹/۱۲، آرشیو حقوقی کیهان، سال ۴۱، ص ۳۱)

۷. تاجر نبودن سندیکا

در پرونده‌ای که در شعبه ۳۵ دادگاه عمومی تهران مطرح بوده

<p>طریق کارخانه انجام شود، مشمول بند ۴ ماده ۲ ق.ت. خواهد بود.</p> <p>۸/۳. زارع: کسی است که با کشت محصولات کشاورزی امرار معاش می‌کند. زارع در این معنا اعم از کشاورز و باغدار است.</p> <p>۸/۴. کسبه جزء: برای ملاحظه مفهوم کسبه جزء ر.ک. ماده ۱۹ ق.ت.</p>	<p>(صنعت) و زراعت است و کسب شامل هر سه نوع مزبور است، (دکتر لنگرودی، دایره المعارف حقوق مدنی و تجارت، ج ۱، ص ۷۵۱)</p> <p>۸/۲. پیشه‌ور یا صنعتگر: به کسی گفته می‌شود که با کاردستی (یدی) خود برای تولید و ایجاد آثار، امرار معاش می‌کند. (دکتر لنگرودی، همان منبع، ص ۷۲۴) در صورتیکه کار تولیدی از</p>
--	---

ماده ۲ - معاملات تجارتي از قرار ذیل است:

اعمال تجاری
ذاتی و حکمی

۱. خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از اینکه تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد.
۲. تصدی به حمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا به هر نحوی که باشد.
۳. هر قسم عملیات دلالی یا حق‌العمل‌کاری (کمسیون) و یا عاملی و همچنین تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد می‌شود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات و غیره.
۴. تأسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر اینکه برای رفع حوائج شخصی نباشد.
۵. تصدی به عملیات حراجی.
۶. تصدی به هر قسم نمایشگاه‌های عمومی.
۷. هر قسم عملیات صرافی و بانکی.
۸. معاملات برواتی اعم از اینکه بین تاجر یا غیر تاجر باشد.
۹. عملیات بیمه بحری و غیر بحری.
۱۰. کشتی‌سازی و خرید و فروش کشتی و کشتیرانی داخلی یا خارجی و معاملات راجعه به آنها.

<p>۱. معاملات موضوع این ماده ذاتاً تجاری بوده و شخصیت معامل (تاجر بودن یا نبودن) تأثیری در ماهیت این</p>	<p>اعمال حقوقی ندارد. این نوع اعمال، اعمال تجارتي موضوعی یا اصلی و ماهوی نامیده می‌شوند.</p>
--	--

۲. سیستم اتخاذی قانونگذار در اعمال تجاری

قانونگذار ایران با پیش‌بینی اعمال تجاری ذاتی و انتخاب معیار «تشخیص تاجر با انجام آن اعمال خاص» ظاهراً سیستم موضوعی را پذیرفته است، لکن با وضع ماه ۳ (اعمال تجاری تبعی) روشن می‌گردد که از سیستم مختلط (شخصی - موضوعی) متابعت کرده است.

۳. اگرچه اعمال پیش‌بینی شده در بندهای دهگانه این ماده از اعمال تجاری هستند، لکن صرف انجام آنها موجب تاجر شناخته شدن شخص نخواهد بود، بلکه باید انجام اعمال مذکور شغل معمولی آن شخص باشد. (ماده ۱ ق.ت)

۴. درباره مفهوم «تصدی» رجوع کنید به ماده ۳۷۷ ق.ت.

۵. انواع عملیات تجاری ذاتی

منظور از اعمال تجاری ذاتی عملیاتی هستند که در گردش ثروت دخالت دارند (فعالیت اقتصادی گردش) این دسته از فعالیت‌ها در مقابل فعالیت‌های استخراجی هستند که منظور از آنها استخراج و تحصیل مواد از طبیعت است، مانند صیادی، کشاورزی، استخراج معادن و...

فعالیت‌های گردش را در یک تقسیم بندی کلی می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: ۱. توزیعی (شامل پنخش و توزیع) ۲. تولیدی (تغییر شکل کالا) ۳.

خدماتی (حمل و نقل) ۴. کمکی (بیمه و بانکداری) (دکتر صقری، حقوق بازرگانی، ورشکستگی، ص ۵۴-۵۵) ۵/۱. عملیاتی که اصولاً تجاری

هستند

منظور از این اعمال تجاری اعمالی هستند که برای اینکه تجاری محسوب شوند نیازی نیست در قالب و به وسیله مؤسسه انجام گیرند.

۵/۱/۱. تحصیل مال به قصد

فروش یا اجاره

الف - مفهوم تحصیل: منظور از تحصیل کلیه طرق به دست آوردن مال (تملک) است، سبب تملک ممکن است عقد بیع، معاوضه، صلح یا حتی هبه باشد، لکن همچنانکه در قسمت اخیر بند ۱ ماده ۲ مقرر شده است این تملک در صورتی عمل تجاری محسوب می‌شود که به قصد فروش یا اجاره باشد. (دکتر ستوده تهرانی، همان منبع، ج ۱، ص ۴۵؛ دکتر اسکینی همان منبع، کلیات، معاملات تجاری و... ص ۶۴)

ب - در صورتیکه بخش عمده مالی که فروخته می‌شود، هنر و خدمات فروشنده باشد، عمل تجاری محسوب نمی‌شود؛ مانند نقاشی، مجسمه‌سازی و فروش آنها، این اعمال در قالب پیشه‌وری می‌گنجد.

ج - همچنین ر.ک. ماده ۴ ق.ت. ۵/۱/۲. دلالتی و حق‌العمل‌کاری و

عاملی

الف - برای ملاحظه مقررات راجع

۵/۱/۳. عملیات صرافى و بانكى

منظور از عملیات صرافى، تبدیل پول كشورى به پول كشور ديگر است. و منظور از عملیات بانكدارى انجام اعمال متعددى است كه اهم آنها عبارتند از: افتتاح انواع حساب‌هاى قرض‌الحسنه و سرمايه‌گذارى، اعطای وام و اعتبار، قبول و نگهدارى امانات طلا و نقره و اوراق بهادار و... صدور، تأیید و قبول ضمانت‌نامه‌ها و...

درباره امور بانكدارى قوانين متعددى وضع شده كه مهم‌ترين آنها عبارتند از: قانون پولى و بانكى كشور مصوب ۱۸ تير ۱۳۵۱ و اصلاحیه‌هاى آن در سال‌هاى ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹، لايحه قانونى اداره امور بانكها مصوب ۳ مهر ۱۳۵۸ و متمم آن مصوب ۲۸ آذر ۱۳۵۸، قانون عملیات بانكى بدون ربا (بهره) مصوب ۸ شهريور ۱۳۶۲.

۵/۱/۴. عملیات بیمه

الف - به موجب ماده ۱ قانون بیمه مصوب ۷ اردیبهشت ماه ۱۳۱۶: «بیمه عقدى است كه به موجب آن يك طرف تعهد مى‌كند در ازای پرداخت وجه یا جوهى از طرف ديگر در صورت وقوع یا بروز حادثه خسارت وارده بر او را جبران نموده یا وجه معینى بپردازد...»

ب - برای تنظیم این عمل تجارى قوانين متعددى به تصویب رسیده كه از آن جمله است: قانون بیمه مصوب ۷ اردیبهشت ماه ۱۳۱۶، قانون اداره امور شركت‌هاى بیمه مصوب

به دلالتى و حق‌العمل‌كارى ر.ك. باب هشتم، هفتم و مواد ۳۳۵ به بعد ق.ت.

ب - عاملى: درباره اینکه مفهوم عاملى چیست و چه كسى عامل محسوب مى‌شود قانونگذار تعريفى ارائه نداده است. بين حقوقدانان نیز در این باره اختلاف نظر وجود دارد. برخى عامل را كسى مى‌دانند كه مانند حق‌العمل‌كار، در مقابل اجرت به نمایندگى ديگرى عملی را انجام مى‌دهد. با این تفاوت كه برخلاف حق‌العمل‌كار، عامل برای شخص معینى كار نمى‌كند. (دكتر ستوده تهرانى، همان منبع، ج ۱، ص ۴۸)

دكتر كیائى در صفحه ۵۸ كتاب حقوق بازرگانى بر این نظر است كه عامل معمولاً نماینده بازرگان واحد و معینى است و حق انجام معامله برای سایر اشخاص را ندارد، مگر در مواردی كه كه طبق شرایط مقرر بين عامل و آمر چنین اجازه‌ای پیش‌بینی شده باشد. همچنین برخلاف حق‌العمل‌كار عامل اصولاً از خود سرمايه‌اى دارد و كالا و اجناس را شخصاً خریدارى و طبق شرایط مقرر بين عامل و فروشنده به فروش مى‌رساند. برخى ديگر از حقوقدانان «عاملى» را تقريباً نوعى «وكالت با اجرت» مى‌دانند كه باید حصيد تجارى بودن آن در نظر گرفته شود. (دكتر اسكینی، منبع اخيرالذکر، ص ۷۸-۷۹)

دستگاه کامیون داشته باشد که رانندگی آن را هم صاحب مؤسسه به عهده داشته باشد.

ج - لازم نیست موضوع خدماتی که ارائه می‌شوند تجاری باشد، همچنانکه قانونگذار در قسمت اخیر بند ۳ ماده ۲ علی‌رغم غیر تجاری بودن معاملات ملکی، تسهیل معاملات مزبور را تجاری دانسته است.

۵/۲/۳. تأسیس کارخانه

الف - کارخانه عبارت است از محلی که در آن عملیات ساخت یا تکمیل یک کالا به منظور آماده کردن آن برای فروش یا به کار بردن آن در کالای دیگر جهت عرضه به بازار صورت می‌گیرد.

ب - منظور از تأسیس کارخانه، نفس ایجاد و راه اندازی کارخانه نیست. بلکه کاری است که در کارخانه انجام می‌شود، پس صرف تأسیس کارخانه مشمول بند ۴ ماده ۲ نمی‌شود. (دکتر اسکینی، منبع اخیرالذکر، ص ۷۲)

ج - سواى شرط مطرح در بند ۴ ماده ۲ ق.ت. (برای رفع حوائج شخصی نبودن)، مانند همه اعمال تجاری دیگر، وجود قصد انتفاع نیز ضروری است.

۵/۲/۴. تصدی به عملیات حراجی

الف - حراجی صورت خاصی از فروش است که در آن خریداران با هم رقابت کرده و هر یک قیمتی بیشتر از پیشنهاد دهنده قبلی پیشنهاد می‌کند و ثمن معامله قیمتی است که بالاتر از آن

۱۳۶۷/۱۱/۱۲، موافقتنامه شرکت سهامی بیمه سرمایه‌گذاری و اعتبار صادرات ایران که دولت ایران به موجب قانون مصوب ۳۰ فروردین ۱۳۷۳ الحاق به آن را تصویب کرده است، اساسنامه شرکت‌های سهامی بیمه آسیا، البرز، دانا، ایران و...، مصوب هیأت وزیران.

۵/۱/۵. معاملات راجع به کشتی

کشتی‌سازی و خرید و فروش کشتی از مصادیق بند ۱ ماده ۲ و کشتیرانی از مصادیق بند ۲ همان ماده است و بند ۱۰ فقط جنبه تأکیدی دارد. ۵/۲. عملیاتی که به وسیله مؤسسات انجام می‌شوند.

منظور از این نوع اعمال تجاری اعمالی هستند که برای اینکه تجاری محسوب شوند، باید به وسیله مؤسسه‌ای انجام گیرند.

۵/۲/۱. تصدی به حمل و نقل

توضیح: ر.ک. باب هشتم مواد ۳۷۷ ق.ت. به بعد

۵/۲/۲. تصدی به تأسیسات

خدماتی

الف - منظور قسمت اخیر بند ۳ ماده ۲، عبارت از تشکیلاتی است که نوع خاصی از خدمات را ارائه می‌دهد.

ب - خدمات مورد بحث باید تحت پوشش یک مؤسسه (واحد تجاری) ارائه گردد؛ از اینرو اگر کسی مؤسسه یا بنگاه باربری تأسیس کند و به این طریق خدمات باربری ارائه کند تاجر محسوب می‌شود، حتی اگر آن مؤسسه تنها یک

مانع اطلاق عنوان نمایشگاه عمومی به آن نیست.

د - در زمینه نمایشگاه‌های عمومی قوانین وضع شده که اهم آنها عبارتند از: قانون تشکیل شرکت سهامی نمایشگاه‌های بین‌المللی ایران مصوب آبان ماه ۱۳۴۷، اساسنامه شرکت سهامی نمایشگاه‌های بین‌المللی ایران مصوب بهمن و اسفندماه ۱۳۴۷ و فروردین ماه ۱۳۴۸ کمیسیون‌های خاص دو مجلس، قانون انتزاع امور نمایشگاه‌ها از مرکز توسعه صادرات ایران و تشکیل شرکت سهامی نمایشگاه‌های بین‌المللی ایران مصوب ۲۶ تیر ماه ۱۳۶۵.

۵/۳. عملیات تجاری حکمی

منظور از اعمال تجاری حکمی آن دسته از اعمال هستند که در واقع و براساس ضوابط پذیرفته شده در مورد اعمال تجاری (ذاتی) تجارتي نیستند؛ لیکن قانونگذار بنا به مصالح احکام و آثار اعمال تجاری را بر آنها بار می‌کند؛ از اینرو تجاری تلقی کردن این نوع اعمال نیاز به تصریح قانونگذار دارد.

۵/۳/۱. معاملات برواتی

الف - «منظور از معاملات برواتی اعمال حقوقی است که روی برات انجام می‌شود و ایجاد و انتقال آن را محقق می‌کند؛ یعنی صدور، قبولی، ظهنویسی و ضمانت» (دکتر اسکینی، همان منبع، کلیات و...، ص ۶۱) هیأت عمومی دیوان عالی کشور در

قیمتی پیشنهاد نشده باشد. حراجی از تمام جهات شبیه مزایده است جز اینکه در مزایده، برخلاف حراجی قیمتی به عنوان قیمت مبدأ (مبنا) تعیین می‌شود. (ر.ک. دکتر لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ش ۵۲۰۱)

ب - عملیات حراجی در صورتی عمل تجاری محسوب می‌شود که به نحو تصدی انجام شود.

ج - «متصدی حراجی» کسی است که در مقابل دریافت حق حراجی عملیات حراجی را اداره می‌کند، از اینرو کسی که مالک اموالی است و آنها را به حراج می‌گذارد، مشمول بند ۵ ماده ۲ ق.ت. نخواهد بود. (دکتر اسکینی، همان منبع، ص ۹۱)

۵/۲/۵. تصدی به نمایشگاه‌های عمومی

الف - نمایشگاه عمومی محلی است جهت بازدید از آثار تولیدکنندگان، هنرمندان، نویسندگان و... متصدی نمایشگاه عمومی واسطه بین بازدیدکنندگان و تولیدکنندگان یا هنرمندان و... است. (دکتر ستوده تهرانی، حقوق تجارت، ج ۱، ص ۵۰)

ب - اگر برگزاری نمایشگاه عمومی به قصد انتفاع نبوده و یا به نحو تصدی و مستمر نباشد، عمل تجاری محسوب نمی‌شود.

ج - عرضه (فروش) کالا شرط لازم برای تحقق نمایشگاه عمومی نیست و همچنین عرضه کالا در نمایشگاهی

صدور برات بالذات و به طور مطلق تجاری محسوب شده، شرط و قید مذکور در ماده ۳۱۸ آن قانون که در فصل چهار در مورد مرور زمان انشاء گردیده و بدین مضمون است: (دعای راجعه به برات و فته طلب و چک که از طرف تجار یا برای امور تجاری صادر شده) مربوط به فته طلب و چک می باشد و ارتباطی با برات ندارد... و این امر تهاافت و مغایرتی با ماده ۳۰۹ قانون تجارت نخواهد داشت.

همچنین ر.ک. ماده ۳۱۸ ق.ت.

۵/۳/۲. معاملات شرکت های

سهامی

به موجب ماده ۲ ل.ا.ق.ت: «شرکت سهامی شرکت بازرگانی محسوب می شود ولو اینکه موضوع عملیات آن امور بازرگانی نباشد.» بنابراین در صورتیکه موضوع فعالیت یک شرکت سهامی عمل غیر تجاری باشد، آن شرکت به حکم قانون - نه در واقع و نفس الامر - تجاری است و اعمالی که انجام می دهد در واقع غیر تجاری هستند، ولی به خاطر اینکه به وسیله این شرکت انجام می شوند؛ تجاری محسوب می گردند.

رأی اصـرارای شماره ۲۷۸۳ - ۱۳۳۹/۹/۱۲ معاملات برواتی را تعریف کرده است؛ «... منظور از معاملات برواتی مذکور در بند ۸ ماده ۲ قانون تجارت خرید و فروش بروات و به عبارت دیگر معاملاتی است که مورد معامله آن بروات می باشد و معاملاتی است که مورد معامله آن بروات می باشد و معاملاتی است که مورد معامله آن بروات می باشد و معاملاتی که مورد معامله کالا و اثبایی غیر برات باشد، اگر چه خریدار به جای وجه نقد برات بدهد، برواتی محسوب نمی شود و عنوان آن معاملات اعتبار می باشد...» (آرشیو حقوقی کیهان، سال ۴۱، ص ۳۱۶)

ب - مطابق بند ۸ ماده ۲ ق.ت. صدور برات، به طور اتفاقی و به وسیله اشخاص غیر تاجر هم، عمل تجاری محسوب می شود.

ج - با توجه به بندهای ماده ۲ و ماده ۳۱۴ ق.ت. و رأی اصراری شماره ۲۷۸۳ - ۱۳۳۹/۹/۱۲ هیأت عمومی دیوان عالی کشور «صدور سفته و چک» ذاتاً عمل تجاری محسوب نمی شود، متن رأی مزبور به شرح ذیل است: «... چون طبق بند ۸ ماده ۲ قانون تجارت

ماده ۳ - معاملات ذیل به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها تجاری محسوب می شود:

۱. کلیه معاملات بین تاجر و کسبه و صرافان و بانک ها.

اعمال تجاری
تبعی

۲. کلیه معاملاتی که تاجر با غیر تاجر برای حوائج تجارتي خود می‌نماید.
۳. کلیه معاملاتی که اجزا یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجارتي ارباب خود می‌نماید.
۴. کلیه معاملات شرکت‌های تجارتي.

دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۲۰، س ۱۳۵۶، مقاله نقدی بر ماده ۳ قانون تجارت، تألیف دکتر آذر کیوان آذری)

روح حاکم بر اعمال تجاری، هماهنگی با سایر مواد قانونی، از جمله ماده ۱۲۹۷ ق.م. که در دعوی تاجر بر تاجر دیگر دفاتر تجاری تاجر را فقط در صورتی دلیل می‌داند که دعوی از محاسبات و مطالبات تجارتي حاصل شده باشد، نیز مؤید نظر ابراز شده است. (همچنین ر.ک. دکتر اسکینی، همان منبع، کلیات، معاملات تجاری...، ص ۱۰۹ به بعد.

۴. معاملات اجزا با خدمه یا شاگرد تاجر به وکالت از طرف ارباب (تاجر) است.

۵. «اجزا، اصطلاح قدیمی حقوق اداری است و به معنی اعضاء، کارمندان یک اداره دولتی یا بلدی است.» (دکتر لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ش ۸۱) ۶. برای آشنایی با انواع شرکت‌های

تجاری ر.ک. ماده ۲۰ ق.ت.

۷. در مورد بند ۴ در خصوص

شرکت‌های سهامی ر.ک. ماده ۲

ل.ا.ق.ت.

۱. اعمال تجاری پیش‌بینی شده در این ماده «اعمال تجاری تبعی» نامیده می‌شوند.

۲. قانونگذار با پیش‌بینی «اعمال تجاری تبعی» (تجاری دانستن اعمال به تبع تاجر بودن عامل) از سیستم موضوعی اتخاذ شده در ماده ۲ ق.ت. عدول کرده و در واقع سیستم مختلط (شخصی - موضوعی) را پذیرفته است.

۳. حسب ظاهر بندهای ماده ۳ ق.ت. معاملات بین تاجر، حتی اگر برای امور غیر تجاری باشد، تجاری محسوب می‌شود، لکن همچنانکه برخی از حقوق‌دانان متذکر شده‌اند، باید قائل به این نظر بود که معاملات بین تاجر تنها در صورتی تجاری محسوب می‌شود که برای امور (حوائج) تجاری انجام گرفته باشند. جمع بندهای ۱ و ۳ با توجه به اینکه معاملات مباشرتی تاجر ویژگی خاصی نسبت به معاملات که به وسیله شاگردان و خدمه برای او انجام می‌گیرد، ندارد و لزوم وجود هماهنگی بین بند ۱ با بندهای دیگر ماده ۳ و ماده ۵ ق.ت. که امکان اثبات تجاری نبودن عمل تاجر را پیش‌بینی کرده - مؤید نظر فوق‌الذکر است. (نشریه

ماده ۴ - معاملات غیر منقول به هیچ وجه تجارتي محسوب نمی‌شود.

غیر تجاری بودن
معاملات غیر
منقول

۱. درست است که معاملات غیر منقول به هیچ وجه تجارتي محسوب نمی‌شود، لکن دلالي این نوع معاملات یا حق‌العمل‌کاری در معاملات غیر منقول عمل تجارتي محسوب می‌شود.
۲. تنها استثنایی که برای غیر تجاری بودن معاملات غیر منقول وجود دارد ماده ۵ قانون تملک آپارتمان‌هاست که به موجب آن: «انواع شرکت‌های موضوع ماده ۲۰ قانون تجارت که به قصد ساختمان خانه و آپارتمان و محل کسب، به منظور سکونت یا پیشه یا

اجاره یا فروش تشکیل می‌شود، از انجام سایر معاملات بازرگانی غیر مرتبط به کارهای ساختمانی ممنوعند.» به موجب ماده مزبور برخی معاملات راجع به اموال غیر منقول تجاری هستند. البته در ماده ۲ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ معاملات اموال غیر منقول توسط شرکت‌های سهامی، به تبع شرکت، اعمال تجاری تبعی محسوب شده‌اند. (دکتر اسکینی، منبع اخیرالذکر، ص ۶۸-۶۹)

ماده ۵ - کلیه معاملات تجار تجارتي محسوب است مگر اینکه ثابت شود معامله مربوط به امور تجارتي نیست.

اماره تجاری بودن
اعمال تاجر

مطابق قواعد آیین دادرسی بر عهده کسی است که اظهارات او خلاف ظاهر (اماره) است.

ماده ۵ ق.ت. یک اماره قانونی مبنی بر تجاری بودن معاملات تجار پیش‌بینی کرده است که قاعدتاً اثبات خلاف آن،

باب دوم دفاتر تجارتي و دفتر ثبت تجارتي

فصل اول دفاتر تجارتي

ماده ۶- هر تاجري به استثنای کسبه جزء مکلف است دفاتر ذیل یا دفاتر دیگری را که وزارت عدلیه به موجب نظامنامه قائم مقام این دفاتر قرار می دهد داشته باشد:

۱. دفتر روزنامه.
۲. دفتر کل.
۳. دفتر دارایی.
۴. دفتر کسبه.

۴. دفتر دارایی
برای ملاحظه تعریف این دفتر رجوع کنید به ماده ۹ ق.ت.

۵. دفتر کسبه
برای ملاحظه تعریف «دفتر کسبه» رجوع کنید به ماده ۱۰ ق.ت.

۶. سایر دفاتر
۶/۱. در حسابداری و دفترداری امروزی حسابدارها دفاتر دیگری نیز تنظیم و نگهداری می کنند که، اگرچه عملاً مفید است، لکن از دفاتر قانونی محسوب نشده و فواید دفاتر قانونی

۱. کسبه جزء
برای ملاحظه مفهوم «کسبه جزء» ر.ک. ماده ۱۹ ق.ت.

۲. دفتر روزنامه
برای ملاحظه دفتر روزنامه رجوع کنید به ماده ۷ ق.ت.

۳. دفتر کل
برای ملاحظه تعریف «دفتر کل» رجوع کنید به ماده ۸ ق.ت. و ماده ۴ آیین نامه نحوه تنظیم و تحریر و نگهداری دفاتر موضوع تبصره ۱ ماده ۹۵ قانون مالیات های مستقیم.

در مورد دعوی تاجر بر تاجر دیگر، در صورتیکه دعوی راجع به امور تجاری بوده و مطابق قانون تجارت تنظیم شده باشند، سندیت خواهد داشت.

۸/۳. اگرچه دفتر تاجر در مقابل غیر تاجر سندیت ندارد، لکن جزء قرائن و امارات محسوب می‌شود. (ماده ۱۲۹۸ ق.م.)

۸/۴. به موجب قسمت اخیر ماده ۲۱۰ ق.آ.د.م.د.ع. و ا. (ماده ۳۰۱ و ۳۰۲ ق.آ.د.م. سابق): «هیچ بازرگانی نمی‌تواند به عذر نداشتن دفتر از ابراز یا ارائه دفاتر خود امتناع کند مگر اینکه ثابت نماید که دفتر او تلف شده یا دسترسی به آن ندارد. هرگاه بازرگانی که به دفاتر او استناد شده است، از ابراز آن خودداری نماید و تلف و عدم دسترسی به آن را هم نتواند ثابت کند، دادگاه می‌تواند آن را از قرائن مشتبته اظهار طرف قرار دهد.»

۸/۵. در اثبات دعوی ورشکستگی و تعیین نوع آن (عادی، به تقصیر یا به تقلب بودن) مراجعه به دفاتر تاجر مفید خواهد بود. (ماده ۵۴۱ ق.ت.) و به موجب بند ۳ ماده ۵۴۲ ق.ت. در صورتیکه تاجر ورشکسته دفتر نداشته باشد، ممکن است ورشکسته به تقصیر شناخته شود.

۸/۶. در امور مالیاتی بر، داشتن دفاتر قانونی (دفاتر روزنامه، کل، مشاغل) آثار متعددی مترتب است: اولاً به موجب ماده ۶ آئین‌نامه

موضوع ماده ۶ ق.ت. بر آنها مترتب نیست.

۶/۲. در موارد ۲ و ۶ آیین‌نامه نحوه تنظیم و تحریر و نگاهداری دفاتر موضوع تبصره ۱ ماده ۹۵ قانون مالیات‌های مستقیم، سوای دفاتر روزنامه و کل (اعم از مشترک یا جدا از یکدیگر) دفتر دیگری نیز با نام «دفتر مشاغل»، پیش‌بینی شده است که، فقط از نظر اداره دارایی و در امور مربوط به مالیات «دفتر قانونی» شناخته می‌شود.

۷. نحوه تنظیم دفاتر قانونی

برای ملاحظه نحوه تنظیم دفاتر قانونی موضوع این ماده ر.ک. مواد ۷ الی ۱۳ ق.ت. و ۱۲۹۹ ق.م. و برای مقایسه با دفترداری برای امور مالیاتی رجوع کنید به ماده ۶ آیین‌نامه اجرایی مربوط به دفاتر اسناد و مدارک و روش‌های نگهداری آن‌ها... موضوع ماده ۹۵ اصلاحی مصوب ۹۴/۴/۳۱ قانون مالیات‌های مستقیم

۸. فواید نگاهداری دفاتر قانونی

سوای اینکه نگهداری دفاتر فوق‌الذکر در تسهیل امور تجاری مؤثر است از جنبه حقوقی نیز آثار متعددی بر داشتن دفاتر مترتب است:

۸/۱. به موجب ماده ۱۵ ق.ت. تخلف از ماده ۶ موجب جریمه است.

۸/۲. به موجب ماده ۱۴ ق.ت. و ۱۲۹۷ ق.م. دفاتر تجاری (اعم از دفاتر قانونی موضوع ماده ۶ و سایر دفاتری که مطابق قانون تجارت تنظیم شده باشند)،

صاحب دفتر باشد) از جهات از سندیت افتادن دفاتر قانونی محسوب شده است. برای ملاحظه موارد رد دفاتر قانونی از لحاظ مقررات مالیاتی رجوع کنید به ماده ۱۶ آیین‌نامه فوق‌الذکر.

۱۰. آثار رد دفاتر قانونی

۱۰/۱. رد دفاتر قانونی به موجب مواد ۱۴ ق.ت. و ۱۲۹۹ ق.م. موجب از سندیت افتادن و عدم قابلیت استناد تاجر دارنده دفتر به چنین دفتری می‌شود. البته به موجب قسمت اخیر ماده ۱۴ ق.ت. و ماده ۱۳۰۰ ق.م. در موارد رد، دفتر علیه صاحب آن دلیل محسوب می‌شود.

۱۰/۲. به موجب بند ۳ ماده ۵۴۲ ق.ت. در صورت ناقص بودن دفاتر تاجر ورشکسته یا وجود بی‌ترتیبی در آن ممکن است ورشکستگی از نوع «به تقصیر» اعلان شود.

۱۰/۳. از جمله آثار رد دفاتر قانونی موضوع ماده ۱۶ آیین‌نامه در امور مالیاتی عدم توجه به دفاتر، تهیه اظهارنامه مالیاتی توسط سازمان امور مالیاتی کشور و برآورد مالیات بر اساس فعالیت و اطلاعات اقتصادی کسب شده مؤدیان از طرح جامع مالیاتی و مطالبه مالیات متعلق به موجب برگ تشخیص مالیات است. (ماده ۹۷ اصلاحی ۱۳۹۴/۱۲/۹)

اجرائی مربوط به نوع دفاتر، اسناد و مدارک... مصوب ۱۳۹۴/۱۲/۴ درآمد اشخاصی که در گروه اول ماده ۲ آیین‌نامه مذکور (درآمد بیشتر از سی میلیارد ریال) قرار می‌گیرند و کلیه اشخاص حقوقی که مکلف به نگهداری دفتر روزنامه و کل یا سایر دفتر حسب مورد دستی یا ماشینی (مکانیزه - الکترونیکی) متکی به اسناد و مدارک هستند، از روی دفاتر مزبور تشخیص داده خواهد شد و باید اظهارنامه مالیاتی خود را بر اساس آنها تنظیم کنند.

ثانیاً، به موجب تبصره ۱ الحاقی ماده ۱۴۷ ق.م.م. هزینه‌های مقرر در ماده ۱۴۸ اصلاحی ۱۳۸۰ آن قانون در مورد اشخاص حقوقی و همچنین صاحبان مشاغل موضوع ماده ۹۵ قانون مذکور که مکلف به نگهداری دفاتر می‌باشند، در حکم موسسه محسوب می‌شوند، منظور می‌شود. در خصوص سایر صاحبان مشاغل هزینه‌های قابل قبول مالیاتی قابل پذیرش است.

۹. موارد رد دفاتر قانونی

برای ملاحظه مواردی که دفاتر قانونی مردود اعلام شده و آثار فوق‌الذکر بر آن مترتب نیست، رجوع کنید به مواد ۱۲، ۱۳ و ۱۴ ق.ت. و در بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۲۹۹ ق.م. موارد دیگری (ورود اوراق جدید به دفتر و وجود بی‌ترتیبی و اغتشاش که به نفع